

فهرست مطالب

یادداشت مترجم

- یادداشت مترجم ۱۱
- پیش‌گفتار به قلم مایکل تو بایس ۱۵
- مقدمه به قلم پیترین ۱۹
- سراغاز ۴۳
- پرده نخست ۵۱
- پرده دوم ۱۷۳
- پرده سوم ۲۵۹

مقدمه

پیتربین

«روش من ... مستلزم انکار روح و جسم نیست، بلکه هدف آن تسخیر آنها از راه قدرت عظیم روح جسم است.»

نیکوس کازانتزاکیس^۱

در بهار سال ۱۹۴۱، کازانتزاکیس به یکی از بزرگترین بلندپروازی‌های خود دست زد و نمایشنامه یانگ‌تسه را منتشر کرد که اکنون به نام بودا معروف شده است. اگر هفت ماهی را در نظر بگیریم که از تهاجم موسولینی به یونان در ۲۸ اکتبر ۱۹۴۰ آغاز می‌شود و به تسلط آلمانی‌ها بر کرت در می ۱۹۴۱ می‌انجامد، عصاره‌ای از کل هستی انسان را می‌بینیم که کازانتزاکیس از قبل آن را دریافته و در کارهای سابقش بیان

کرده بود. در دفاع پیروزمندانه یونانی‌ها در برابر موسولینی تلاش اصیل و فداکارانه ملتی را می‌بینیم که می‌خواهد به ناممکن دست یابد، و آن‌گاه در پیروزی آلمان قدرت بی‌امان سرنوشت محتومی را می‌بینیم که همه تلاش‌های پیشین را خنثا می‌کند. کازانتزاکیس، چنان‌که در آدیسه نشان داده بود، بار دیگر در بودا به عهده خود گرفت که این سیطره تجربه را بررسی کند، سیطره‌ای که اینک در فاجعه سیاسی‌ای که وی شاهدش بود به اثبات رسیده بود. بودا نمایشنامه‌ای عظیم است؛ نه تنها کُل وضعیت بلکه واکنش‌های گوناگون در قبال آن را نشان می‌دهد که همه آنها جوانبی بودند از واکنش‌های متضاد خود کازانتزاکیس به رویدادهای واقعی سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱. این نمایشنامه بویژه واکنش‌های مردی را نشان می‌دهد که میان نیاز به برکنار ماندن بوداگونه از رویدادها و نیاز متضاد به مشارکت در رقص سایه‌های فانی جهان - تسلیم شدن به این حماقت شگرف که در جهان فانی چنان عمل کنیم که انگار واقعی است - سرگردان بود. اما این واکنش‌های متضاد به جادوی تخیل شاعرانه با هم یکی شده‌اند. می‌توان سخنانی را به یاد آورد که کازانتزاکیس در ۱۹۳۵ اظهار داشته بود:

شادی‌ای بزرگ احساس کردم که دوباره می‌کوشیدم تا این

تضادهای هولناک را هماهنگ کنم ... وای بر آن که تنها نقاب را

می‌بیند! وای بر آن که تنها آنچه را در پس این نقاب مخفی شده

است می‌بیند! نگاه کامل آن است که همزمان ... نقاب شیرین و

چهره نفرت‌انگیز پشت آن را ببینی.^۲

این عبارات کاملاً مبین همان نکته‌ای است که در هر یک از اجزای مهم نمایشنامه کازانتزاکیس دیده می‌شود؛ این نمایشنامه نشان می‌دهد که تخیل (نگاه کامل) نقاب شیرین کنش سیاسی را با چهره نفرت‌انگیز تسلیم و رضای بودایی دربر می‌گیرد و آشتی می‌دهد.

پیش از بررسی بیشتر نمایشنامه، دوست دارم به مسأله تاریخ نگارش آن بپردازم. از این نمایشنامه چهار نسخه داریم که سه تای آنها دست‌کم دارای پیش‌نویس کاملی بوده‌اند. اولی نسخه‌ای است که در ۱۹۲۲ در وین نوشته شده و بازتاب سرخوردگی شدید کازانتزاکیس از سیاست بر اثر قتل یون دراگومیس* در ۱۹۲۰، سقوط ونیزلوس** در همان سال، و پایان ناگهانی امکان فعالیت سیاسی خود کازانتزاکیس در یونان است. دومی در اواخر سال ۱۹۲۲، پس از فاجعه آسیای صغیر (سپتامبر ۱۹۲۲) و آشنایی کازانتزاکیس با حلقه زنان یهودی کمونیست، در برلین آغاز شد، که بازتاب تندروی سیاسی و این تصمیم او بود که، اگر نه در یونان دست‌کم در روسیه، به نوعی فعالیت سیاسی روی آورد. سومی، که طرح آن بین سال‌های ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۲ ریخته شد اما هرگز به انجام نرسید، بازتاب سرخوردگی کازانتزاکیس از کمونیسم شوروی و کار و عمل سیاسی بود. چهارمی، یعنی همین نسخه‌ای که اینک در دست داریم، چنان‌که گفتم، بازتاب نبرد آلبانی بر ضد موسولینی و در پی آن شکست یونان از آلمان است.

بیاید این چهار نسخه را با تفصیل بیشتری بررسی کنیم. آن که در جولای ۱۹۲۲ در وین آغاز شد، تراژدی در قالب شعر آزاد بود. در گزارش

* Ion Dragoumis

** Venizelos